

در استحااضه

نباید غسل و وضوئی از برای خون سابقه از نیست غسل اگر بعد از غسل و پیش از نماز خون
 استحااضه در ظاهر و باطن رفع شود غسل دفع حدث استحااضه میکند غسل اگر در ظاهر قطع
 شود در باطن و زمان فرض طهارت و نماز نداشته باشد که خون در آن زمان از باطن بیرون
 قطع شود لا زم است عاده طهارت نماید و اگر وقت تنگ باشد چیزی بر او نیست و نماز میکند
 و همچنین اگر شك دارد در وسعت وقت و تنگی آن اگر چه احتمال بدهد که در باطن و رحم قطع شده
 است و اگر بعد معلوم شود که در باطن قطع شده بود عاده طهارت و نماز میکند غسل هرگاه
 در أثناء نماز خون منقطع شود با علم بوسعت وقت نماز را قطع کند و عاده طهارت و نماز کند
 اگر چه احوط اتمام نماز و عاده است همچنین اگر خون آرام بگیرد بعد از عاده طهارت و نماز
 غسل اگر خون در أثناء نماز آرام گرفت و نداشت که در باطن قطع شده بعد از نماز معلوم
 قطع شده بود عاده طهارت و نماز نماید غسل اگر زن یقین کند آرام گرفتن خون در وقت
 که کجایش طهارت و نماز دارد واجب است انتظار از زمان با امکان و عذر شفت نماید غسل
 هرگاه استحااضه متوسطه رود در پیش از نماز مغرب و عشاء تا پیش از نماز صبح نیز و در
 غسل از برای نماز صبح بلا اشکال است هرگاه بعد از نماز صبح رود و خون قطع شود از
 برای نماز ظهر احوط غسل است غسل واجب است که ضعیفه حفظ کند خود را بعد از امکان که
 خون از او خارج نشود و اگر تقصیر کند و خون در بین نماز خارج شد عاده نماز نباید بلکه
 يك غسل هم بنا بر احوط اگر نکویم افوی و اگر محبت غلبه خون خارج شود ضرر ندارد غسل
 هرگاه در بین نماز صبح فلیئه متوسطه شود نماز باطل است باید غسل کند و نماز را عاده کند
 و اگر وقت تنگ باشد نیم کند و هرگاه کثیره شود لا زم است مجدد غسل و وضو کند محبت کثیره
 غسل ضعیفه استحااضه هرگاه غسل کند و وضو یازد و خود را از خون بشوید بنا بر احوط
 و طی با وضو ندارد غسل هرگاه استحااضه کثیره پیش از هر نمازی خون او قطع شود باز بر بند
 شبانه روز پنج غسل بر او واجب میشود غسل اگر در بین غسل حدث استحااضه مرتد غسلش
 را تمام کند صحیح است و لکن باید از جهت عبادت مشروطه بطنهارت وضو یازد و اگر حدث کثیر
 باشد همان حدث باشد که دفع آنرا میکند غسل را عاده کند غیر از استحااضه که آمد خون

عثمان خالی از
 نشویش نیست
 مراد هم متصح
 نیست
 قیر
 این عبادت است
 اصل آن تا پیش از نماز
 خارج از وقت نماز است
 بی یقین از این منتهی است
 و اگر در وقت نماز
 قطع شود از آن
 و احوط استینا
 غسل نیز
 میرزا
 هرگاه در وقت غسل
 حدث باشد احوط
 تمام غسل هرگاه
 و تقوی و وضو

عنه
بدر بر بوبه شود

در احکام اموات

در اثنا غسل موجب اعاده آن نیست **فصل** در احکام اموات **مسئله** هرگاه غسل داده شود میت یا نماز کرده شود بجای آن از او بپا باطل است و اگر نماز عاده غسل و نماز غسل جایز نیست غسل و نماز و کفن و دفن مکروه است ولی میت و اولی بولایت اولی یا وارث است که اول بپدر و بعد مادر و بعد خواهر و بعد اعمام و اخوان ذکورشان مقدم اند و بعد و لا یعنون بولید و بعد ضامن جریره و بعد احوط خاکم شرع است و بعد عدوک مؤمنین اند اما شوهر یا زنیه به زوج زایش مقدم است بر همه آنها اما در منقطع اشکالند در رعایت احتیاط مطاوعت و هم چنین مالک یا زنیه بمالوکش مقدم است بر دیگران **مسئله** باید غسل دهند میت مثل میت یا ذکور و بانات بودن مکروه است و طفل سه ساله **مسئله** واجب است غسل دادن شیعه را اعتبار و در حکم میت است سینه در جمیع احکام یا قطع کرده در آن سینه باشد و اما قطع کرده در او استخوان نباشد چه از میت و چه از زنده جدا شده باشد نماز ندارد اگر چه در حکم میت است در سایر احکام و نماز بر قطع جدا شده از زنده که با استخوان باشد احوطست و هم چنین است طفلی که چنانچه ظاهر شده هرگاه سقط شود مکروه است که نماز **مسئله** هرگاه طفل زنده باشد شکم زن سینه زن و او را بیرون آورد و بیرون او را بیرون او برد و اگر بیرون نهد میت و دفن کنند و هرگاه شکم در حیاتش را از بدن جدا کنند حرام است شکافش بیرون او را و واجب است صبر کند تا معلوم شود حال طفل **مسئله** واجب است غسل دادن میت اول بپدر و بعد با کافور و بعد با آب و ترنج کفایت میکند این افضل اگر چه جنب یا حائض هم باشد و میتوان میت را بطریق غسل از نماز غسل داد اگر چه احوط تر تیمم است **مسئله** هرگاه بمکن نشود غسل تیمم بدل از غسل کفایت میکند و احوط است تیمم است **مسئله** مخلوط کردن سرد و کافور در آب در زیادتی مفید است که اگر امضا نکند و در کمی مفید است کافور است **مسئله** پیش از غسل شرطست تطهیر بدن میت **مسئله** هرگاه در زمین غسل یا بعد بجز شود بدن او غسل عاده می خواهد و هم چنین است اگر حدث سزند از او اگر چه حدث اکبر باشد و واجب است از آله ان با امکان اگر چه در قبر هم گذاشته باشند و **مسئله** هرگاه آب کفایت از غسل نکند

در احکام اموات
در نماز میت
در کفن میت
در دفن میت
در غسل میت
در تیمم میت
در کفایت میت
در افضل میت
در حرام میت
در واجب میت
در مکروه میت
در مستحب میت
در غیر ضرورت
اشکال است
در کفایت میت
در افضل میت
در حرام میت
در واجب میت
در مکروه میت
در مستحب میت
در غیر ضرورت
اشکال است
در کفایت میت
در افضل میت
در حرام میت
در واجب میت
در مکروه میت
در مستحب میت
در غیر ضرورت
اشکال است

در احکام اموات

با آنچه هست بر پیش غسل دهند بجهت بانی دیگر میم بدل آن دهند و هرگاه سگد کافور ممکن
 نشود بآب خالص بید مریک غسل دهند با رعایت ترتیب در نیت مسئله هرگاه میت خمر یا سگد
 است عوض آب کافور بآب خالص و زغسل دهند زغوطر کنند و هم چنین بویها خوش دیگر
 مسئله هرگاه هم جنبی یا مخمری از برای میت نباشد و ممکن نشود بدون لمس و نظر او زغسل دهند
 سافطت غسل را دش و اگر ممکن باشد که غاسل در زین پوده مثلا کینه در دست کند و میت
 زغسل دهد چنین کند علی الاحوط مسئله مکر و همت چیدن ناخن میت اگر چه پسیا بلند
 باشد و هم چنین مو او و هرگاه جدا شود از او واجب است که در کفن او با او دفن کنند ولو ط
 افست که اثر از غسل بدهند مسئله کفن سه یا چهار اجابت پیراهن و لنگ و لقا که سر تا
 سری میگویند و پیراهن از شانه تا نصف ساق و لنگ میان ناف تا زانو را بکشد و سر تا سر
 بقدری که از طول بتوان بست از عرض بر او هم بپوشند و اگر چه پا چرمی ممکن نشود هر چه ممکن
 شود بان اکتفا کنند اگر چه همان ستر عورت باشد مسئله باید کفن غصبه و جنس نباشد و هر چه
 پوست نباشد و مستح است که خوش قماش و صالح قیمت باشد و زیاده از قدر واجب است و از آن
 و از آن کبر و از مال ضعیف بر ندارند مسئله جایز است در حال عقد بلکه وجودش خالی از قوت
 نیست تکفین و ستر عورت بمنجنج و چیزهایی که جایز نبود در حال اختیار مگر غصبه مسئله سه یا چهار
 کفن را از اصل مال میت بر میدارند اگر چه مد بون هم باشد و کفن زن بر شوهر است اگر چه در عقد
 رجبه هم باشد مگر شوهر فقیر باشد یا مو نشان مفاد آن اتفاق افتد مسئله کفن بمالک یا مالک
 است مگر چیزی از او ازاد باشد و اینصون بقدر ملکیت بامول میباشند نه زاید بر آن مسئله
 اقوی است که بید سگد و کافور و آب غسل واجب است بر کفنه که کفن بر او واجب است مسئله اقوی
 و خوب جنوط نمودن است بعد از غسل و پیش از تکفین مگر مری را بید اگر بعد از طواف بمهر جایز
 است مسئله حال که تربت نام حسین با جنوط مخلوط کردن مستحب است بشرطیکه بجای کفنند
 حرمت میشود بریزند مسئله وضع جوید تن با میت مستحب مؤکد است و باید تر باشد روایت
 که مادای که بوضعت میت را خداب میکند و اندر رخ حرما و انار و بنید و غیر آنها خوب است و تریب
 شهادتین بر او بنویسند مسئله جایز است حمل میت بر ذاب مخصوصا در وقتی مسافت بعید باشد یا

از کتب معتبره در احکام اموات
 خارج از حد کتب معتبره
 من استنباط از کتب معتبره
 و در بیان و در افتادن
 منقول است

در نماز صیبت

در نقلش بدون آن مشققی باشد بر خاملین او مسلمان نماز واجب است بر شیعه اثنا عشری بواجب
 کفایتی مگر حتی طفلی که شش سال تمام کرده باشد و کثرت از شش ساله مستحب است اگر نهنده منولد
 شده و اگر نهنده منقط شده احوط نماز نکردنست و در مسلمان هرگاه نیکفر زن منفره بر زمین
 کند از دیگران ساقط میشود و در جماعت اگر ایضاً باشد بعضی زنان مستحب است که در صحنه
 بایستند مسلمان در نماز میت شرط نیست طهارت از حدث و خبث و ستر عورت اگر چه ستر خود
 احوط است بلکه اولی دفع خبث است مسلمان مستحب است نیم جهت نماز میت که نخواهد غسل کند
 یا وضو یا از مسلمان شرایط نماز میت استقبال قبله است و قیام با مکان و نیت و باید سر چنان
 جانب راست ما باشد و میت ابرویست خوابیدن و اباخره مکان و نزل ماحی صوت صلوة و
 بسپارد و در جنازه نبودن و بعد از غسل و کفن و خور و بودن مسلمان نماز موقوف مشهوره
 این است که بعد از تکبیر اول بگوید استهدان لا اله الا الله وحده لا شریک له و استهدان
 محمد عبده و رسوله از سله با حق بشیروند بر اینیدی الساعه الله اکبر و بعد بگوید
 اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد و رحم محمد و آل محمد کما فضلنا
 صلیت و بارکت و ترحمت علی ابرهیم و آل ابرهیم انک حمید مجید و صل علی جمیع الانبیاء
 والمرسلین والشهداء والصدیقین و جمیع عباد الله الصالحین الله اکبر بعد بگوید اللهم اغفر
 لکرمین و المؤمنین و المؤمنات و المسلمات و المسلمات و المؤمنات و المؤمنات و المؤمنات و المؤمنات
 انک مجیب الدعوات انک علی کل شیء قدیر اللهم اکبر بعد بگوید اللهم ان هذ عبدک و ابن
 عبدک و ابن امک نزل بک و انت خیر منزول به اللهم انما نعلم منه الا خیر و انت اعلم
 به منا اللهم ان کان حسنا فیرد فی احسانه و ان کان سیئا فیرد فی عذابه و اغفر له اللهم
 اجعله عندک فی اعلا علیین و اختلف علی قلبه فی الغابورین و ارحمه برحمتک یا ارحم الراحمین
 الله اکبر و اما اگر زن باشد ضمیرها که راجع بمیت است مؤث میا و زندا ما اگر طفل مؤمن با
 دودعا آخر بگوید اللهم اجعله کاتبه و لنا سلفا و فرقا و اجر مسلمان در نماز میت عندک
 اما شرط است باید ما مؤمن امام را عادل بدانند مسلمان بی ادن و بی برادری هم مشکلت
 نماز بعد از نماز واجب نماز بر میت مستحب است اما اول واجب نماز بر میت غیر تکبیر است نجس

کتاب فی الفروع از علامه امام ابو حنیفه

کتاب فی الفروع از علامه امام ابو حنیفه

کتاب فی الفروع از علامه امام ابو حنیفه

کتاب فی الفروع از علامه امام ابو حنیفه

کتاب فی الفروع از علامه امام ابو حنیفه

در نیامیت نماز

هم میتوان کرد و بعد از نیت و تکبیر میگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول
الله الله اكبر اللهم صل على محمد و آل محمد الله اكبر اللهم اغفر للمؤمنين و المؤمنات الله
اكبر اللهم اغفر لهذا البيت و اكر من نابت الله اغفر لهذا البيت الله اكبر كفايت میکند عمل
ما موم بهر تكبير که رسید تکبیر بگوید و تکبیر اول خود قرار دهد و دعا اول را هم بخواند و همچنین
دعا و دویم و سیم و اگر بزرگتری مشغول شود بعد از دعا تا امام تکبیر بگوید ضرر ندارد و هر چه
از تکبیرات بماند که میت را برود از نیکه نرسد دعا بخوانی بی دعا بگو تکبیر را ضرر ندارد و فصل
در احکام نماز است نماز واجب بازده قلمت نماز یومی و نماز جمعہ و نماز ایام و نماز طواف
و نماز عیدین و نماز استیجار و نماز والدین که بر پسر بزرگ است و نماز نذر و نماز عهد
نماز یمین و نماز میت مسلمین مقدمان نماز شش اول طهارت یعنی وضو و غسل و تحمیم
و بپوشیدن و بپوشیدن ستر عورت چهارم وقت شناختن بجز قبله شناختن شهر مکان
نباشد و جای سجده پاک باشد و بیت بلند نباشد مگر بکلیه خسته مسلمانی وضو و ستر
و دو مسخ کردن است مثل ری و وضو چهارم چیز است نیت و ترتیب و موالات و مباشرت با نیت
که مکلف میباشد با فردن خود و وضو بنازد و با حائضه وضو و طهارت و اطلاق آن با نیت
که غصبه و بجنس و مشبهه بغصبه و بجنس نباشد و مضاف هم نباشد و غسل استنجاء نباشد و
خوف ضرر نباشد و مکان غصبه نباشد و موضع وضو پاک نباشد و محل ریختن آب وضو طرف
اب وضو اگر محض است غصبه نباشد مثل شرايط غسل هم چنین است مگر موالات که نداد
و ترتیب وضو از تماس نیت فصل در ستر عورت است غسل مرد باید عورت را بپوشد
زن جمیع بدن را الا صورت و کفین و قد مین بپوشد کف پا را هم بنا بر احوط بپوشد غسل باید با
مصیبه بجنس نباشد و غصبه و اجزاء حرام گوشت و مینت نباشد و از برای مردان حرم بر محض و طلا
ناب هم نباشد و مشبهه بغصبه و مشبهه بجنس هم نباشد با انحصار با نیت که مشبهه محصور نباشد
مسئله وقت نماز چهار عنوان دارد وقت مختص و وقت مشرک و وقت فضیلت و وقت اجزاء
مسئله مقارنات نماز یا زدن است قیام و نیت و تکبیر و الاحرام و قرائت و رکوع و سجود و تشهد
و سلا و ذکر و ترتیب و موالات غسل و کتب اجزای نماز چهار است قیام و تکبیر و الاحرام و

نماز کبریا انرا اگر شکر در تکبیر
از وضو و غسل و غیره
مکان و اوقات
و با بعد از نماز
و نیت آب وضو
وضو و محل اشکال
است اگر مرتب
شود تصرف
مغضوب بر وضو
بلکه وضو صحیح
بر این تقدیر
میرزا

بلکه افوی هرگاه
اشرفین باشد
در نماز

در نماز امانت

است مسئل در طوبان حرام کوشش هرگاه در لباس مصیبت خستک شده باشد احوط ازاله
 ایشان مسئل هرگاه با نگو و جوش آمده پیش از آنکه در وقتشان برود لباس مصیبت خستک
 شده باشد احتیاط در شستن آنست ^{عنه} مسئل هرگاه شخص التماس عینا کرد واجب قصد امانت
 و احوط ارداد و تحبیر و تفهیم بود ضرر نداشت در مسئل هرگاه جاهل مقصر هر سه سلام قصد
 واجب گفت احوط اینست که نماز را اعاده کند مسئل هرگاه سه سلام زاد و بعضی واجب
 نکرد ضرر نداشت در مسئل هرگاه در حال تشهد یاد کرد یا قرائت دست یا انگشتهای پا را امتداد
 حرکت دهد ضرر نداشت و احوط ترک مسئل نماز میت هرگاه دعا مستحضر غلط خواند
 شود جهلا بقیه که کلام ادمیتین نرسد یا بعضی از آنرا بخواند ضرر نداشت یعنی باطل نمیشود
 مسئل هر که جل تجاست در دهان هم مثل ظاهر است از رو عمد و احوط اعاده نماز است نه از رو سهو
 و نسیا اما اگر از خود باطن باشد مثل خون خوردن در هر ضرر نداشت در مسئل هر که اجزا حرام
 کوشش و مینه بخورد نماز باطل است بنا بر احتیاط و سهوا ضرر نداشت در مسئل هر که در نماز
 بخادی مرد یا پیش از مرد بایستد که نمازشان مقارن بسته شود اگر چه محرم هم باشد احتیاطا
 ترک هرگاه در جای در میان نشان باشد که در هیچ حالت یکدیگر ندانند بپوشید یا در آن
 دور باشند ضرر نداشت در مسئل هرگاه شخص در بین نماز همین که سلام نماز سابق را نداشت
 آن نماز را قطع کند اگر صفائی بعد از سلام فروده سلام نماز سابق را بدهد و احتیاطا سجده
 سهو بجا بیاید و احتیاطا نماز سابق را اعاده کند مسئل هر که در یک نماز کذا را باشد و
 سابق را پوشید باشد و سرانگشت مشغول در حال سجده بر زمین بکشد ضرر نداشت در مسئل
 هرگاه نماز قضا بود مگر شخص باشد نماز نافله را بخورد واجب کند مشکل است هرگاه بر خود
 واجب کرد احتیاطا بجا آورد مسئل هر که نماز کذا را یاد و لباسش باشد ضرر نداشت
 غسل هرگاه چیزی مثل لفظ همراه خود نکند از آنکه صاحبش را پیدا کند از برای نماز
 نداشت در مسئل هر که شخص بطنه قبله نماز کرد بعد معلوم شد که در بین مشرق یا مغرب بوده اگر
 تقصیر در تحقیق علم نکرده بجهت قبله صحیح است نمازش مسئل هر که شخص مدتی در جهل مثل الضم
 المستقیم بکشد بدون التفات با اعتقاد اینکه مضایقه است افوی اعاده نماز یا قضا

مثل قاف برین و فرق
 میان سهو و عمد و فرق
 میان از باطن بودن
 و از قاف و قصد معلوم
 خصوصیت
 احوط اجزا حرام
 لباس است نه از رو
 میرزا صالح
 حکم بخورد بکین
 گذشت نیز
 احتیاط در صورت
 و سهو و روز
 در آنکه بپوشد
 از آنکه بپوشد
 این مسئله
 جاهل از اعتقاد از آن
 عینا بود
 بجهت قبله
 قلمش هم اختیار
 منتهی بجا و اینست
 از افوی

صدم
 افوی
 صدم
 این
 صدم
 ظاهر
 ظاهر
 ظاهر

النت

در احکام نماز است

از ناخن باشد ضرر ندارد و سبک است تا بر زمین گذارد و اگر ناخن زیادها از کوشش باشد
 احتیاطا بگیرند آنرا از برای مسح بلند ناخن ضرر ندارد اما از برای غسل اگر چو در زین
 باشد ضرر ندارد غسل از کوشش سبک است و بکنار انگشت بالا بری ضرر ندارد و
 احوط دو باره رو انگشتها را مسح کشیدن است غسل بر روی پیشه نه چینه سجده صحیح است
 هرگاه پیشانی بپهر نرسید مظنه کرد که طمانینه بعد از رکوع را بجای آورد و بر کرد زجا آورد
 بعد سجده رود و هم چنین هرگاه شک داشته باشد احتیاطا بر کرد و غسل شخص نماز
 یعنی که بر دم زارد نماز مستحبی را ترک کند بنا بر احتیاط اگر چه با احتیاط در حالت راه
 رفتن یا نشسته یا سواره باشد غسل اگر روزه واجب شخص بر دم زارد روزه مستحبی را
 نگیرد اگر چه در سفر باشد یا آنکه بعد از زوال نیت کند فصل در عدالت غسل نماز
 ظهر عصر و مغرب و شب و مختص عصر و مختص عشا مغرب و فضا با زانو و فضا بی که نزدیک
 و امید است بفضا و مسح بواجب و مسح مستحبی و واجب مستحبی جایز نیست عدل مگر آنکه خواه
 در جماعتی یا نماز ظهر جمع یا نماز جمع که میخواند سوره جمع را یا منافقین بخواند سوره
 سوره دیگر بنا بر کسی میتوان عدل کنی مستحبی واجب و غسل نماز فردی را جماعت عدل
 نمیتوان کرد مگر غسل نماز عصر ظهر و عشا مغرب و اذا بقضاء و فضا بی که نزدیک است
 ذای بقضاء سابق و جماعت فردی عدل میتواند کرد و غسل هرگاه شخص ایستاد بقصد نماز
 معین خواه واجب و خواه مستحب و سواد رکش گذشت یا بر نداشتن جاری شد نماز دیگر
 چون ملتفت شد باکی نیست همان نمازی است که قصد داشت در اول عدل میخواهد غسل
 اگر اول قصد نمازی کرد و تکبیر گفت و بعد بجای نمازی دیگر تمام کرد همان نماز که اول قصد
 داشت حساب است اگر بعد موافق باشد غسل آنکه بیشتر منبسط در غیر وقت و شبان ممنوع است
 بنا بر احتیاط از برای نماز گذار اما فرود خندش جایز است و احوط اعلام کردن است و غسل
 هرگاه شخص قصد نماز حرکت کرد اما بقسمی که از صورت نماز بقصد بعد که قرار گرفت ذکر
 نایز است که در آن حالت خوانده مرتبه اولی الله طاهر کند ضرر ندارد و غسل قرائت هر چه را
 که آنرا های کلمه بعضی جاها هستند خوانده میشود که صداد و خیشو میافند ضرر ندارد

این پیشانی را
 نود میزند
 ع
 غسل هرگاه هر
 مشغول بجای آورد
 نماز فضا باشد
 مقدار بیکه از حد
 ساعه برتر بود
 نماز مستحبی خصوص
 روایت را میتوان
 عمل آورد و بنات
 استیجاری ظاهر
 ایست که مثل نماز
 قضا خود در بنات
 میرزا زین العابدین
 در فضا گذار است
 در وقت نماز
 مشکلت است که آنکه
 از حد جز برین
 نرود میرزا
 عرفان

کتاب نماز

مسئله فرشی بر سرین حکم خاف رویش نداشت که باید پاک باشد بجهت نماز مسئله معفو نیست مرتبه طفل با فدیت بر شستن جامه شایعاً و آجازه گرفتن بدون مسئله بچون انسان و حیوان جلال گوشت در جامه و بدن مصیبه که از درهم معفو است هر چند غلظت هم داشته باشد اما اگر از جامه سرانگیزه هر طرفی را مستقیماً بر آورد کنند و از خون غیره راه مصیبه باشد در لباس یا در جامه احوط اجتناب است مسئله ذکر کبیر در رکوع و سجده هر گاه سه مرتبه بگوید بجز بیک مرتبه واجب است بقیه بقصد قربت گفتن میکند مسئله هر گاه مالی را خسر نذاده از عین آن مال لباس بخرند و بپوشند نماز کنند غضب است و نمازشان باطل است مسئله هر گاه نماز استیجاب یا نذر موسع بر ذمه شخص باشد نماز مستحبی را میتوان ذکر مسئله در نماز مستحبی نمیدانند که رکعت سیم است یا آنکه سلام داده است و برخواستن و این رکعت اول نماز بعد است فراموشند و سلام نماز پیش را بدهد مسئله هر گاه شخص بداند یک نخ غصیه در جامه شوی و نماز کند باطل است مسئله هر گاه محمول غصیه داشته باشد که بافعال نماز متحرک شود اگر یک سویی هم باشد نمازش باطل است مسئله هر گاه شخص بسجده میبید و خواطرش آمد که از رکعت پیش یک سجده زانگورده و رکوع این رکعت را هم فراموش کرده این سجده را از رکعت پیش فرار دهد و اگر هنوز بسجده میبید است پیشیندا که بعد از آن سجده است ننشسته و متر از بیکر و برود بسجده و بعد از نماز سجده سهو برای هر زیادتی احتیاطاً بجا بیاورد مسئله جو را بی که ساقا پا را بپوشاند چه مرد و چه زن نماز بان نکند بنا بر احوط اگر چه چیز دیگر بر او بپوشانند و همچنین غیره و اب هم همین حکم دارد مسئله نماز مستحبی هر گاه طایفه و شرایط را از روی مسامحه یا عمد بجا بیاورد باطل است مسئله هر گاه به بینی که شخص طایفه و شرایط نماز را در بجا بیاورد اگر جاهل است و اجنب است او را تذکر کنی و اگر عالم است باید او را امر بعرف کنی یا شرایطش مسئله وطن ضلای زیاده از دو وطن مشکلی است مسئله هر گاه هجر کند شخص از وطن و دیگر قصد مشرفه ماندن در آنجا نداشته باشد و ملکی داشته باشد دعوت با آنجا احتیاطاً نمازش را جمع کند مگر آنکه قصد اقامه کند مسئله نماز غصیده بعد از نماز مغرب بقصد دو رکعت نافله مغرب میتوان کرد مسئله هر گاه شخص نماز کرد بقصد اقامه معلوم شد که قصد

س
 علی الاحوط
 میرزا
 ح
 با قدری عذر
 مشقت و محصل
 جامه اگر چه بجز
 و چه آجازه است
 است معفو
 است میرزا
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

بوده است صحیح است احوط اینست که در وقت نیت قضا یا بعل آورد و همچنین است عکس هرگاه
 هرگاه مفاقیته باشد و شخص میتواند مثلا بزور یا سجده کند با امن از ضرر باید سجد کند
 بران و همچنین است وضو بی نیت ساختن در وقت مسکن هرگاه شخص نافرمانی صحیح را نکرده نما
 صحیح را کرده و وقت باقی است نافرمانی با قصد قربت مطلق یا آورد ضرر ندارد و هم
 چنین است نافرمانی ظهر و عصر در مسکن هرگاه در وقت نیت مثلا حرفی را غلط گفت سهوا بعد از رکوع
 نرفته ملتفت شد اگر الف و لام دارد از کلمه پیشترش بگذرد مراد از کلمه پیشتر آن کلمه میباشد که
 وصل شده باشد بکلمه که الف و لام دارد مثل المصوبین در صوت عاده باید غیر از هم اعاد
 کند و بگوید غیر المصوبین اکفا نکند با عاده المصوبین اگر نداد دهان را با ما بعد از سجده
 سجده سهوا برای زیادتی احتیاطا جایز است در مسکن هرگاه شک دارد که بیخ رکعت بجز
 مانده یا نه اول نماز ظهر یا جایز است در وقت غیر شخص بعضی اگر در نماز شک کند که این
 نماز ظهر است یا عصر نماز ظهر فرار دهد مسکن در سجده بعضی کف دست و لو بعضی انگشت بر
 زمین برسد کفایت میکند احوط تمام کف گذاشتن است مسکن حروف قرائت و غیره را بخرج
 گفتن کفایت میکند و بخوبی کمال گفتن احوط است مسکن هرگاه شخص نماز مغرب را در رکعت
 سلا داد بی منافی و بمبازعتا مشغول شد در رکعت اول بخوابد یا در احتیاطا ظاهر است که در رکعت
 مغرب بفرار دهد و اگر در سوره باشد قطع کند و همان جدا کفا کند و تمام کند و اگر در
 رکعت دوم باشد تا رکوع نرسیده فرو نشیند تمام کند و اگر بر کوع رسیده باشد باطل است
 این نماز و آن رکعت تمام را که ترک کرده بود جایز است آورد و بعد از آن در همه صورتها عاده
 نماز است بعد از آنکه بیک رکعت نافرمانی بپوشانان از بی جایز آورد و سجده سهوا بجهت سلامتها
 بیوقع بکند و همچنین ظهر و عصر در مسکن هرگاه شخص پیش از نیت بخوابد
 که در کوع جایز است و زود بپوشد و تمام کند و بر کوع و بعد احتیاطا نماز تمام است
 کند اگر در وقت نماز سجدن رکوع را فراموش کند در مسکن هرگاه بعد از رکعت ناسوه و
 مانده یا آخر وقت و بیخ رکعت نسیوه آنوقت شخص بعضی است و بعد ظهر افضا کند و بعد
 عصر را هم احتیاطا قضا کند مسکن شخص نماز شب را بخورد واجب کرد پیش از نصف شب

در وقت نیت قضا یا بعل آورد و همچنین است عکس هرگاه
 هرگاه مفاقیته باشد و شخص میتواند مثلا بزور یا سجده کند با امن از ضرر باید سجد کند
 بران و همچنین است وضو بی نیت ساختن در وقت مسکن هرگاه شخص نافرمانی صحیح را نکرده نما
 صحیح را کرده و وقت باقی است نافرمانی با قصد قربت مطلق یا آورد ضرر ندارد و هم
 چنین است نافرمانی ظهر و عصر در مسکن هرگاه در وقت نیت مثلا حرفی را غلط گفت سهوا بعد از رکوع
 نرفته ملتفت شد اگر الف و لام دارد از کلمه پیشترش بگذرد مراد از کلمه پیشتر آن کلمه میباشد که
 وصل شده باشد بکلمه که الف و لام دارد مثل المصوبین در صوت عاده باید غیر از هم اعاد
 کند و بگوید غیر المصوبین اکفا نکند با عاده المصوبین اگر نداد دهان را با ما بعد از سجده
 سجده سهوا برای زیادتی احتیاطا جایز است در مسکن هرگاه شک دارد که بیخ رکعت بجز
 مانده یا نه اول نماز ظهر یا جایز است در وقت غیر شخص بعضی اگر در نماز شک کند که این
 نماز ظهر است یا عصر نماز ظهر فرار دهد مسکن در سجده بعضی کف دست و لو بعضی انگشت بر
 زمین برسد کفایت میکند احوط تمام کف گذاشتن است مسکن حروف قرائت و غیره را بخرج
 گفتن کفایت میکند و بخوبی کمال گفتن احوط است مسکن هرگاه شخص نماز مغرب را در رکعت
 سلا داد بی منافی و بمبازعتا مشغول شد در رکعت اول بخوابد یا در احتیاطا ظاهر است که در رکعت
 مغرب بفرار دهد و اگر در سوره باشد قطع کند و همان جدا کفا کند و تمام کند و اگر در
 رکعت دوم باشد تا رکوع نرسیده فرو نشیند تمام کند و اگر بر کوع رسیده باشد باطل است
 این نماز و آن رکعت تمام را که ترک کرده بود جایز است آورد و بعد از آن در همه صورتها عاده
 نماز است بعد از آنکه بیک رکعت نافرمانی بپوشانان از بی جایز آورد و سجده سهوا بجهت سلامتها
 بیوقع بکند و همچنین ظهر و عصر در مسکن هرگاه شخص پیش از نیت بخوابد
 که در کوع جایز است و زود بپوشد و تمام کند و بر کوع و بعد احتیاطا نماز تمام است
 کند اگر در وقت نماز سجدن رکوع را فراموش کند در مسکن هرگاه بعد از رکعت ناسوه و
 مانده یا آخر وقت و بیخ رکعت نسیوه آنوقت شخص بعضی است و بعد ظهر افضا کند و بعد
 عصر را هم احتیاطا قضا کند مسکن شخص نماز شب را بخورد واجب کرد پیش از نصف شب

در بیان نماز است

نمیتواند کرد اگر چه خوف بیدار شدن هم داشته باشد و اگر چنان میدانست که وقت نشک
 شک است تیمم کرد و نماز کرد و بعد غسل و شست که وقت باقی است احتیاط این است که اعاده کند
 و اگر چهار رکعت کرده بود مثلاً صبح شد باقی دیگر تمام کند یا یکی بنیت غسل هرگاه ضعیف
 جز لباس نجس پوشیدن چاره نداند و تا آخر نماز حاضر است با همان لباس نماز کند **مسئله** قطع
 نماز بجهت دفع عینیت یا غنا یا خوابی دیگر با فزونی جایز است و بجهت ضرر کلی مالی واجب است و
 بجهت ضرر جزئی واجب است **مسئله** هرگاه شخص شک کند که این نماز مغرب است یا عشا اگر در
 رکعت چهارم است بر کوع رفته میهد سازد و مغرب تمام کند و الا همان عشا تمام کند
 و احتیاطاً هر دو را اعاده کند **مسئله** هرگاه کلمه **شک** از خدا یا سوره غلط خوانده شود و دیگر
 منجز بوسواس شود انقدر تکرار کند تا شک برسد در آنوقت دیگر تکرار نکند و اگر تکرار
 و سواس باشد همان منکر کف کند و بگذرد **مسئله** شخص ذکر کوع را در سجده گفت چنان
 رکوع بودن پس بخوابد تا آمد که در سجده است ذکر سجده را بگوید و بعد در سجده سهویجا
 بیاورد احتیاطاً و همچنین است در رکوع ذکر سجده گفتن را و اگر پیشه شود بوزن یا نشخا بی شد
 سجده سهوی بخواند **مسئله** مسافر مثلاً هفت فرسخ رفت در یکروز و یکفرسخ برگشت و شب
 در آنجا ماند نمازش شکسته کند و اما اگر یک فرسخ برود و هفت فرسخ برگردد تمام کند
 هرگاه اهل کند و اجزاء و طایفه نماز عمدتاً در عقاب مثل تارک الصلوة است اما در حکم
 تارک الصلوة نیست **مسئله** هرگاه شخص بعد از نماز شک دارد که نجاستی که در بدنش
 بود شسته است یا نه نمازش صحیح است از برای نماز بعد از آنکه احتیاطاً و اولی این است که آن
 نماز را اعاده کند **مسئله** شخص عقبی که چیزی رفت مثلاً بی وضو مسافت و تمام کرد نماز را و در
 جایی که وضو مسافت است تا آنجا است نماز را تمام کند و وقتی که روانه شد و سرالخت کرد شکسته
 کند و در رجعت گذشتن از حد توخص هم شرط نیست **مسئله** جایی که باید شخص نمازش را
 اعاده کند اگر وقت نماز بعدت شک باشد اول نماز بعد را بیاورد و احتیاطاً انوافضا
 کند و اگر بعد پنج رکعت وقت باشد هر دو را ادا کند همچنین است نماز احتیاط از برای شک
مسئله شخص جایی که نمازش را باید اعاده کند با احتیاط عد فونی هرگاه عد اعاده نکند با

اگر تمام مغرب کثیر
 باطل است این نماز
 و سواد سوتی است
 که نماز مغرب نکند
 است این است
 میکند و سجده
 مذکور است
 میکند و احتیاطاً
 با اعاده را ترک
 نمی نمایند
 میرند
 جزو نماز است اگر در آن وقت
 باشد و اگر در آن وقت
 نباشد و اگر در آن وقت
 نباشد

کتاب نماز و احوال
کتاب نماز و احوال
کتاب نماز و احوال

کتاب نماز و احوال

و سنت وقت و نماز بعد از آنجا آورد هر دو را اعاده کند بنا بر احتیاط مسئله در نماز زیاد
 ما موهبید که امام بعض از سوره که بنا داشت بخواند فراموش کرد رکوع رفت ما موهبید
 فرادی کند و خود حمد و سوره بخواند و تمام کند مسئله بنا نمود رکوع اول هر دو رکعتی از
 بعد رکعت نماز آیات با امام اگر پرسند رکعت جماعت کرده و اول آن مسئله پیش از هر رکوع بعد
 از هر رکوع تکبیر مستحب است مگر بعد از رکوع پنجم که سمع الله یا تکبیر مستحب است مسئله در نماز
 کبری بر حضرت امام حسین علی اخبار ضرر ندارد اما با اختیار در آن محتاج بقامل است مسئله
 لباس غیر ساتون هرگاه جای خودش باشد و مجرب باشد بجا است غیر حرام کوشش نماز بان سجده
 است مسئله هرگاه شخص رفت بجد و هنوز پیشانیش به زمین نرسیده شک کرد که طمانینه بعد از
 رکوع بجا آورده امر یا نه احتیاطا برگردد و بجا آورد مسئله هرگاه بعد از نماز دویم بقیه کرد که
 بیکرکت از این دو نمازش کم شده و نمیداند از کدام نمازش هست اگر بعد از نماز دویم نماز
 بجا نیآورده باشد احتیاطا بیکرکت دیگر بقصد ما فی الذم بجا آورد و نماز اول را اعاده کند
 مسئله بعد از نماز احتیاط بقیه کرد بقض نمازش را و مخالف هم اتفاق افتاد اما احتیاطا
 آن نقص را بجا آورد و نمازش را اعاده کند مسئله از آن که در میان دو نماز ساقط است در
 صوت حد فاصله و فاصله گرفتن فاصله است و ساقط نیست مسئله در آخر وقت اگر شخص وضو
 یا غسل کند بیکرکت نماز رکعت میکند و اگر نیم کند چهار رکعت باید وضو یا غسل کند یک
 رکعت دارد که کند مسئله در سجده دویم نماز بقیه کرد که یک سجده از رکعت پیش و رکوع این
 رکعت را هم نکرده سر بردارد و آن یک سجده را سجده پیش حساب کند و بعد از نماز احتیاطا
 نماز را هم اعاده کند و سجده سهواً برای هر زیاده بجا آورد مسئله هرگاه شخص چیزی بنویسد
 برای نماز متبسط آنکه از آن واقعه بگوید از برای هر نمازی و بعضی را هم بجا است نماز
 باشد بجا آوردن اعتبار ندارد مسئله هرگاه شخص در رکعت چهارم یا سیم بخمال رکعت اول
 نارد و نیم مثل حمد شروع کرد در بین حمد ملتفت شد قطع کند حمد را و پیش از آنکه بگوید
 و بعد و سجده سهواً برای زیاده بجا احتیاطا بجا آورد مسئله هرگاه شخص نیم الله را نبرد

مسئله
 علی الاحوط
 منزل
 نفسی از آنکه در نماز
 نفسی از آنکه در نماز
 نفسی از آنکه در نماز
 مسئله
 دور نیست که تمام
 و در تمام نماز
 مقدم باشد
 منزل
 این احتیاط ترک
 نشود منزل
 بقصد

در کتب است

بمصلحت سوره گفت سوره ديگر شروع کرد در اين ملتفت رجوع کند چنان سوره و اگر مؤلات
 هم خورده بسم الله را و باره بگويد مسأله بدانکه مؤلات هر فعلی بالنسبه بخودان فعل است
 مثل تكبير و حمد و سوره و تشهد و سلا و ينسبح و هرگاه نماز مؤالاتشان قوت شود ضرر ندارد
 بشرط ندارد ان بخلاف مؤالات اصل نماز که اگر هر قسم قوت شود عبادت او سها نماز باطل میشود
 و اما اگر مثلاً يك كره یا عدا مقدمه بدارد بود دیگری نمازش باطل میشود مسأله نماز جمع واجب
 تحیر نیست نه عین و احوط جمع است فصل در نیت است مسأله هرگاه شخص بداند که چه نماز است
 که کرده دارد یا او در بقصد قربت کفایت میکند و اگر نیت مفصیل اجزاء نماز را بداند و
 کند بلکه کفایت میکند تصور اجزای مسأله اگر شخص اصل نماز را قصد واجب کند و اجزای آن را
 که نمیداند واجب یا مستحب بقصد قربت بجا آورد ضرر ندارد مسأله اگر خوب نمیداند
 از افعال صلوئه را و کسی او را تعلیم کند او متابع کند صحیح است نمازش نیت بلفظ او در آن جا
 و احوط ترک است مسأله با قصد یا چه قبل از نماز و چه در بین نماز و چه از اجزای آن و چه در کل
 آن و چه در اجزای آن و چه در اقوال مستحب آن باطل است نماز اگر چه تابع قربت هم باشد و یا اگر
 چه در اوصاف صلوئه هم باشد مثل در مسجد یا جماعت بودن مسأله هرگاه اصل قصد قربت باشد
 و ذکر یا در قرائت باشد را بلند کند بقصد تنبیه اعضا غیر خصوص در چیزی که بخواند
 باشد ضرر ندارد مسأله اگر در نماز مثلاً بوخیزی یا بنشیند بجهت تعظیم غیر و بقصد اجزاء نماز
 نماز باطل است مسأله عجب بعد از نماز مبطل نیست لکن حرام است مسأله هرگاه شخص قصد
 کند قطع نماز او پیش از بجا آوردن فعلی از صلوئه یا منافی آن قصدش برکشت یا مردد شد
 یا معاو کرد خروج نماز را با بری مثل آنکه اگر فلان آمد یا در زمان بعد منافی بجا میآورد و
 کرد پیش از فعل منافی بجا آوردن فعلی از نماز احتیاطاً بعد از نماز عاده آن نماز کند فصل
 در قیام است مسأله قیام واجب است کبی در دو جا میباشد یکی در حال تکبیر و اگر حرام بود دیگری
 متصل بر کوع و قیام واجب غیر رکن در سه جا میباشد در حال نماز و بعد از رکوع و در حال
 سجدات از ربع مسأله هر يك از اقوال مستحب نماز که در حال قیام باید بجا آورد قیام مستحب
 است مطابق وقف کلمات و ایات مزاید بر قدر واجب قیامش مباح است مسأله نماز را در قیام

علاوه بر این
 نماز است
 نماز است
 نماز است
 نماز است
 نماز است

مسئله
 ایضا
 و در این باب
 در کتب است

سجده کند اما احوط است که در نماز ایما کند و بعد نماز را اعاده کند بعد از سجده کردن
 مسکنه سوره و الفی و الم نشرح بکسوه امت و همچنین الم تر و لا یلک فی و بسم الله جزو سوره است
 مکرسوه بر او و باید در حال بسم الله متعین باشد سوره و اگر سوره منعده منطوقه باشد
 یا غیر سوره منعته بخواند نمازش باطل است مگر آنکه سهوا سوره دیگر شروع کند چون مذکر
 شد بر کرد و اگر موالات باقی است همان سوره را بخواند و الا بسم الله داد و بانه بگوید
 قصد هر سوره که میخواهد بلی اگر در بین سوره ملتفت شود تعیین نکردن سوره زاد و حال
 بسم الله بجهت غفلت ضرر ندارد همانرا تمام کند مسکنه جایز است عدل سوره سوره
 تا از نصف گذشته مکرسوه مجدد و توحید بلی در حال اضطرار مثل آنکه کلمه یا ایها قراموش
 کند میتواند عدل کند مگر و عدول بکسوه جمعه منافقین هم میتواند کرد بنا بر تفضیل که
 داد و در محل خود مسکنه واجب بر هر چه خواندن حمد و سوره در نماز صبح و در رکعت
 اول نماز مغرب و عشا و در غیر آنها باید آهسته خواند چیزی در چیزی بلکه زها هم باید در چیزی
 احوط لغظات خواندن است اگر چه تا آخر صوتشان را نشنود و بیجا از بیجا و اصم باید آهسته خواند
 مسکنه بر در نماز جماعت که باید بخواند تشریف و واجب از لغظات خواندن اگر چه نماز جمعه
 باشد و لغظات ظاهر نشدن است و مسکنه بر هر چه خواندن صوت است اگر چه دیگران بشنوند
 بی صوت ترا و اگر شخص بیانا جهر یا لغظات را بخواند هر جا که بخواید در نماز خود بخواند
 کند شده اش ضرر ندارد و اگر عدا جهر یا لغظات بخواند یا عکس نمازش را اعاده کند مگر کسی که
 جاهل بحکم باشد در موضوع و متنبه بسوال هم بنامند عقوبات برای او مسکنه مستحب است
 جهر خواندن و اگر نماز جمعه را و بسم الله حمد و سوره در رکعت اول ظهر و عصر مسکنه در
 رکعت یا بیکر کثیرا و شخص اختیار دارد میان خواندن بیجا از بیجا و حمد تنها اما تسبیح
 افضل است و سهرت باید در دنیا بر احتیاط و عدول نکردن از هر یک که شروع کردی بیکر
 خالی از قوت نیست مگر آنکه بیجا در رکعت اول شروع مجدد کرده باشد یا بیجا تسبیح بودی و حمد
 بر زبان جاری شده عدول کن بلیغ یا حمد دیگر و احتیاطا بعد از نماز و سجده سهو و بیجا
 بیاورد و صد در شرایط قرائت و سایر اجزاء نماز است مثل آنکه رال را از او بگوید یا آنکه صفا

در حفظ این سوره و قرائت آن در هر روز
 مسکنه از بین مسکنه و مسکنه
 در قرائت سوره و کسوه
 تا زمانیکه در رکعت اول
 در هر روز در نماز
 در هر روز در نماز
 در هر روز در نماز

در رکوعت

زامین بگوید یا حرفی را از غیر نحرش بگوید یا هزه وصل را ثابت بگذارد و هزه قطع را ثابت
 کند یا اخلاص بوالان و ثوبت کند مینا ایات و کلمات حروف باطل میشود نماز بلکه او
 و احوط اجتناب از وقف بجرکت و وصل بکونش واجب نیست مرغان چیزهایی که از نجات
 است مثل تخیم و ترفیق و مدستت و غیر اینها مسکله ارقام کردن نوین و نوین ساکنه بحروف
 بر ماون احوط است خصوص باغنه اش در و او و یا و کسیکه قرائت درست نداند واجب است یاد
 بگیرد نزد اهلس اگر حجی است ممکن شود مگر کسی که ممکن نشود او را درست کردن مثل کمال احوط
 میتواند درست کند و وقت تنگ باشد و درست نشده احوط است اگر درست و اگر ممکن
 نشود بدل بیاورد از هر آیه دیگری بداند یا ذکر می بخواند مفصیله که در مقام خودش ثابت است
فصل در رکوعت مراد از رکوع خم شدنست بطنی که چیزی از کف دست بر سر زانو برسد یا
 گذشت و هرگاه شخص نتواند خم شود بقدری که کف دست اگر چه بعضی از هم باشد بر زانو برسد تکبیر
 چیزی کند و اگر آنها نتواند بسراشاره کند و اگر آنها نتواند بچشم اشاره کند مسلمان ذکر رکوع
 بفرشته سبحان ربی العظیم و بحمده یا سه مرتبه سبحان الله با طمأنینه کفایت میکند مگر در صورت
 یا شکر وقت که یک سبحان الله کفایت میکند مسلمان رکوع نشسته خم شدنست تا صوت بر آید
 زانو برسد و افضل تا برآوردن موضع سجده است و اگر شخص از برای امری دیگری سجده رکوع
 خواسته باشد رکوع حساب کند نمیشود و اگر شخص منجی باشد تا سجده رکوع باید بجهت رکوع زانو
 کند انحاء را تا معلوم شود رکوع مسلمان اگر شروع کرد ذکر را سهوا پیش از رسیدن رکوع یا طمأنینه
 باید بعد از قرائت دو باره بخواند و اگر با قدری خوب است نشود یا صبر نکند بعد از
 شدن از رکوع که طمأنینه بعد از رکوع بخواند نمازش باطل است **فصل در سجده**
 مسلمان باید پیشانی را که مابین رویدن مو و ابرو و چینین است گذاشت در حال اختیار بر
 غیر معنیها یا بر رویدن از زمین غیر از خوردنی از بی اگر خرید در حال مرض بخورند اگر چه پوست یا
 مغز میوه یا میوه باشد پس هم باشد و غیر پوشید حتی پنبه و کتان لکن بوقت که کیاهاست که
 لباس میکنند احوط است اما اگر اصلش از حیوان باشد و خوی در آن نباشد که سجده
 بر آن صحیح نباشد اگر چه زمین هم باشد میتوان سجده کرد بر او و اگر آنها میسر نشود بکل وضع

در رکوعت مسلمان باید پیشانی را که مابین رویدن مو و ابرو و چینین است گذاشت در حال اختیار بر غیر معنیها یا بر رویدن از زمین غیر از خوردنی از بی اگر خرید در حال مرض بخورند اگر چه پوست یا مغز میوه یا میوه باشد پس هم باشد و غیر پوشید حتی پنبه و کتان لکن بوقت که کیاهاست که لباس میکنند احوط است اما اگر اصلش از حیوان باشد و خوی در آن نباشد که سجده بر آن صحیح نباشد اگر چه زمین هم باشد میتوان سجده کرد بر او و اگر آنها میسر نشود بکل وضع

در مقدم مفاد
توسیع در سنت
تا اقل است چنانچه
کتاب مشهور
بلکه فتوی بر آنست
میرزا
لحوظ در آنجا
نرخانند

توسیع در سنت
تا اقل است چنانچه
کتاب مشهور
بلکه فتوی بر آنست
میرزا
لحوظ در آنجا
نرخانند

در مقدم مفاد
توسیع در سنت
تا اقل است چنانچه
کتاب مشهور
بلکه فتوی بر آنست
میرزا
لحوظ در آنجا
نرخانند

جهت میتوان کرد و اگر کل بر وجهی بچسبد هر دفعه باید ناک کرد و اگر آنها ممکن نشود بولیا من
معمول از پندیر ناکان اگر این هم ممکن نشود بومعادن مثل فیروج و غیره و اگر اینهم ممکن نشود
بویست در سنت سجده کند مسئلہ اگر پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح نیست رسید و نتواند
بکشد بر ما یصح السجود علیہ قرار دهد احتیاطا همان نماز را تمام و اعاده کند مسئلہ باید
موضع سجده که موضع پیشانی است یا ناک باشد بلکه مشتبہ چنین نباشد بالخصاص و شش موضع
دیگر بر زمین قرار داشته باشد یا چیزی از اول ذکر واجب تا ذکر تمام شود مسئلہ موضع چیزی
شرطست که از کفنی یک خشت بلندتر احتیاطا و بیست نواز موضع ایستادن نباشد اما موضع
دیگر که در وسر زانو و کف دست باشد بیست بلندتر از موضع سجده باشد و در سجده مثل
رکوع است مگر ذکر کبری اش که سبحان ربی اکبر و سجده امت مسئلہ اگر پیشانی بقدم
توان گذاشت بجهت خرف و غیره کوفی بکشد که طرف پیشانی بر زمین برسد و اگر اینهم ممکن
نشود چنین را بکند از دواحوط مقدم داشتن چنین راست است و اگر اینهم ممکن نشود زنج را به
کند از دواکر اینهم ممکن نشود خم شود بقدم امکان و اگر ممکن نشود جای سجده را بلند کند و اگر
ممکن نشود ایما کند بپا اگر ممکن نشود ایما کند بدو چشم و احوط آنست که مهر و امثالاً بر پیشانی
برسانند با امکان بلکه شش موضع دیگر را هر یک که بتواند بر زمین برساند احوطست و در سنت
نشستن بعد از سجده اول و قرار گرفتن واجب است فصل در تشهد امت مسئلہ باید شهادت
را تمام بخواند با صلوات و شرایطش در قرائت گذشت بلی باید باطنانین باشد اول تا الخرش و
توکل اقصاء نشستن کند بنا بر احتیاط فصل در سلامت مسئلہ بعد از الشلا علیک که سجده
است اگر الشلا علینا را مینویس تمام بگو که واجب حساب میشود و بعد گفتن السلام علیکم سخن
امت و اگر السلام علیکم را مینویس تمام بگو احتیاطا که واجب حساب میشود بیکر بعد از آن اگر
علینا مشحوب نیست مسئلہ صحیح است نماز در لبایه که زنی سر داشت و هم چنین مرد در
لبایه که زنی سر داشت اگر چه پوشیدنش معصیت است و احوط اجتنابست در نماز مسئلہ
حمل اجزاء حرام کومث با نماز گذاشتن اشکالست و پوشیدن کاپی و قندس اگر در عرف خزان میشد
نشود اشکالست و در کلاه و غیر چنین جزیر و مثل آنها که ملبوس باشد نماز در آنها اشکالست

در وقت نماز است

مسئله است چنانچه در وقت نماز است و سجده و جانم از چهار انگشت هن تراشگال است و
 وصله حریر در جامه اشکال است اینها همه اشکال است از برای مردانست مسئله باکی نیست محمول
 بودن حریر یا ماضی بودن مثل کلافه حریر که بر رخ چسبیده باشد مسئله هر گاه شخص عمر یا بیست
 گناه یا بزرگ درخت مثلا بیاید عورت ترا بپوشاند و نماز کند و اگر نیاید چیزی در مکر کل کل یا بیاید
 بر عورت بمالد و نماز کند بار کوع و سجود با امن از ناظر نا محرم و اگر نیاید کل دست بر عورت
 گذارد و با نماز کند اگر نگاه کنده نا محرم نباشد اما اگر ناظر نا محرم نشسته نماز کند یا
 و از برای رکوع و سجود بیاید و از برای سجود زیاد تر ایما کند بقبلی که عورتش ظاهر نشود
 و شش موضع را با قدرت بر زمین برساند و جای سجده را بلند کند با قدرتی که پیشانی را بر پای
 بیاید استجود علیه گذارد مسئله اگر ایمن نیست از ناظر محترم و بیاید کوهالی پنهان شود در آن
 و مثل امن از ناظر نماز کند بلکه اگر بیاید با این یا اگر با قدرت عورت خود را در آن پنهان
 کند بار کوع و سجود اگر بتواند نماز کند و اگر نتواند با ایما و جزای رکوع و سجود نماز کند
 فصل در اوقات نماز است مسئله وقت مختص نماز ظهر اول زوال است و ذوال شناخته
 شود بصب کردن سخی بر زمین مثلا اگر سایه آن که میشود ظهر نشد و اگر زیاد میشود ظهر شد
 اوقات بقدری که نماز ظهر میشود مختص ظهر است و بقدریکه نماز عصر میشود تا مغرب ماند
 اوقات مختص نماز عصر است و در مابین مشرکند ظهر و عصر مسئله اول وقت فضیلت نماز
 ظهر اول زوال است و خوان سایه که زیاد میشود از شاخص بقدر شاخص شود و از افضل است
 بجا آوردن نماز ظهر در وقتی که سایه شاخص که مقدار قامت در میزند زیاد شود مقدار دو
 قدم که دو سبب شاخص است که یک ذراع میشود مسئله اول وقت فضیلت عصر اینست که پیشانی
 زاید از شاخص مثل شاخص شود بنا بر احوط و آخرش اینکه سایه زاید و مثل شاخص شود
 اگر چه قویست قول بفضل نماز عصر در وقتی که سایه شاخص از چهار قدم زیاد شود مسئله
 وقت اجزای عصر و وقت است یکی پیش از فضیلتش و یکی بعد از فضیلتش تا آخر وقت و وقت
 اجزای ظهر یک وقت است بعد از فضیلتش تا آخر وقت مسئله وقت مختص مغرب اول
 مغرب است تا بعدیکه نماز مغرب بشود مشرک میشود تا عشا تا بعد نماز عشا ماند

مسئله هر گاه شخص عمر یا بیست گناه یا بزرگ درخت مثلا بیاید عورت ترا بپوشاند و نماز کند و اگر نیاید چیزی در مکر کل کل یا بیاید بر عورت بمالد و نماز کند بار کوع و سجود با امن از ناظر نا محرم و اگر نیاید کل دست بر عورت گذارد و با نماز کند اگر نگاه کنده نا محرم نباشد اما اگر ناظر نا محرم نشسته نماز کند یا و از برای رکوع و سجود بیاید و از برای سجود زیاد تر ایما کند بقبلی که عورتش ظاهر نشود و شش موضع را با قدرت بر زمین برساند و جای سجده را بلند کند با قدرتی که پیشانی را بر پای بیاید استجود علیه گذارد مسئله اگر ایمن نیست از ناظر محترم و بیاید کوهالی پنهان شود در آن و مثل امن از ناظر نماز کند بلکه اگر بیاید با این یا اگر با قدرت عورت خود را در آن پنهان کند بار کوع و سجود اگر بتواند نماز کند و اگر نتواند با ایما و جزای رکوع و سجود نماز کند

مسئله هر گاه شخص عمر یا بیست گناه یا بزرگ درخت مثلا بیاید عورت ترا بپوشاند و نماز کند و اگر نیاید چیزی در مکر کل کل یا بیاید بر عورت بمالد و نماز کند بار کوع و سجود با امن از ناظر نا محرم و اگر نیاید کل دست بر عورت گذارد و با نماز کند اگر نگاه کنده نا محرم نباشد اما اگر ناظر نا محرم نشسته نماز کند یا و از برای رکوع و سجود بیاید و از برای سجود زیاد تر ایما کند بقبلی که عورتش ظاهر نشود و شش موضع را با قدرت بر زمین برساند و جای سجده را بلند کند با قدرتی که پیشانی را بر پای بیاید استجود علیه گذارد مسئله اگر ایمن نیست از ناظر محترم و بیاید کوهالی پنهان شود در آن و مثل امن از ناظر نماز کند بلکه اگر بیاید با این یا اگر با قدرت عورت خود را در آن پنهان کند بار کوع و سجود اگر بتواند نماز کند و اگر نتواند با ایما و جزای رکوع و سجود نماز کند

مسئله هر گاه شخص عمر یا بیست گناه یا بزرگ درخت مثلا بیاید عورت ترا بپوشاند و نماز کند و اگر نیاید چیزی در مکر کل کل یا بیاید بر عورت بمالد و نماز کند بار کوع و سجود با امن از ناظر نا محرم و اگر نیاید کل دست بر عورت گذارد و با نماز کند اگر نگاه کنده نا محرم نباشد اما اگر ناظر نا محرم نشسته نماز کند یا و از برای رکوع و سجود بیاید و از برای سجود زیاد تر ایما کند بقبلی که عورتش ظاهر نشود و شش موضع را با قدرت بر زمین برساند و جای سجده را بلند کند با قدرتی که پیشانی را بر پای بیاید استجود علیه گذارد مسئله اگر ایمن نیست از ناظر محترم و بیاید کوهالی پنهان شود در آن و مثل امن از ناظر نماز کند بلکه اگر بیاید با این یا اگر با قدرت عورت خود را در آن پنهان کند بار کوع و سجود اگر بتواند نماز کند و اگر نتواند با ایما و جزای رکوع و سجود نماز کند

در اوقات نماز است

نصف شب شود آنوقت مختص نماز عشا است بلی این وقت اختیار در این مسئله وقت اضطرار
 آن که بجهت عذر نباشد بعد نماز عشا است تا طلوع صبح صادق و آنوقت مختص نماز عشا میشود
 مسئله وقت فضیلت مغرب اول مغرب است تا سرجی مغرب بر طرف شود و آنوقت اول فضیلت
 نماز عشا است تا ثلث شب مسئله وقت اجزای عشا دو وقت است یکی پیش از فضیلتش و یکی بعد
 از فضیلتش تا آخر وقت و وقت اجزای مغرب یک وقت است بعد از فضیلتش تا آخر وقت و
 وقت فضیلت صبح اول صبح صادق است تا سرجی مشرق ظاهر شود و بعد وقت اجزا بیشتر است
 تا طلوع آفتاب مسئله اگر از برای هر نمازی مقدار یک رکعت از وقتش باقی باشد باید مشغول
 شوند بقصد ادا یا قریب مطلق مسئله باید کسانی که عذر ندارند در علم بوقت دانسته باشند
 و مشغول نماز شوند و اقوی آنست که بشهادت عدلین اکتفا میتوان کرد و بازان مؤذن اکتفای
 توان کرد اگر چه عادل معارف بوقت هم باشد مسئله صاحبان عذر مثل کودکان یا انکار نماز
 در هوا باشد مثل ابر بمصنعه میتوانند اکتفا کرد اگر چه احوط و افضل تاخیر است تا علم حاصل
 شود و اگر ظاهر شود خطا شخص و تمام نمازش در غیر وقت شده اعاده کند و اگر چیزی از نماز
 در وقت شده اگر چه همین سلا واجب باشد صحیح است مسئله تا شک بدخول وقت بلکه ظن
 غیر معتبر و نسیان بوقت نماز باطل است اگر چه بعضی نماز هم در وقت شده باشد و عافان
 بر اعاده وقت که بعد از نماز ملتفت شود پیش اگر تمام نمازش در وقت واقع شده صحیح است و هم
 چنین جاهل بحکم اگر بقصد قربت نماز را بجا آورده باشد مسئله اگر در بین نماز بیهوش
 غافل و وقت معلوم نباشد بر او اعاده کند مسئله افضل آنست که هر فرضیه را در اول وقت
 فضیلت آن بجا آورند مگر نماز عصر و در جمعه و روز عرفه که مستحب است در بعد از نماز ظهر
 بجا آورند و مستحب است تاخیر نماز مغرب و عشا تا حاجت بشعر رسند و یا بجهت گرفتاری یا عذر
 دیگر تا حضور قلب حاصل شود و یا کسی که منتظر جماعت باشد یا صائمی که نفسش با آورد نماز
 باشد یا کسی که دیگران منتظر او باشند یا مستحاضه کثیره که بیک غسل خواهد دو نماز کند
 در وقت فضیلتش یا سربسته طفل بجهت سستی بکوبیده جامه اش را در شبانه روز یا کسی که دفع
 بول یا غایط کند بخود یا کسی که نماز قضا دارد تا آخر وقت یا کسی که نافلة گذار است پس تاخیر

وقت مختص نماز عشا است تا طلوع صبح صادق و آنوقت مختص نماز عشا میشود
 مسئله وقت فضیلت مغرب اول مغرب است تا سرجی مغرب بر طرف شود و آنوقت اول فضیلت
 نماز عشا است تا ثلث شب مسئله وقت اجزای عشا دو وقت است یکی پیش از فضیلتش و یکی بعد
 از فضیلتش تا آخر وقت و وقت اجزای مغرب یک وقت است بعد از فضیلتش تا آخر وقت و
 وقت فضیلت صبح اول صبح صادق است تا سرجی مشرق ظاهر شود و بعد وقت اجزا بیشتر است
 تا طلوع آفتاب مسئله اگر از برای هر نمازی مقدار یک رکعت از وقتش باقی باشد باید مشغول
 شوند بقصد ادا یا قریب مطلق مسئله باید کسانی که عذر ندارند در علم بوقت دانسته باشند
 و مشغول نماز شوند و اقوی آنست که بشهادت عدلین اکتفا میتوان کرد و بازان مؤذن اکتفای
 توان کرد اگر چه عادل معارف بوقت هم باشد مسئله صاحبان عذر مثل کودکان یا انکار نماز
 در هوا باشد مثل ابر بمصنعه میتوانند اکتفا کرد اگر چه احوط و افضل تاخیر است تا علم حاصل
 شود و اگر ظاهر شود خطا شخص و تمام نمازش در غیر وقت شده اعاده کند و اگر چیزی از نماز
 در وقت شده اگر چه همین سلا واجب باشد صحیح است مسئله تا شک بدخول وقت بلکه ظن
 غیر معتبر و نسیان بوقت نماز باطل است اگر چه بعضی نماز هم در وقت شده باشد و عافان
 بر اعاده وقت که بعد از نماز ملتفت شود پیش اگر تمام نمازش در وقت واقع شده صحیح است و هم
 چنین جاهل بحکم اگر بقصد قربت نماز را بجا آورده باشد مسئله اگر در بین نماز بیهوش
 غافل و وقت معلوم نباشد بر او اعاده کند مسئله افضل آنست که هر فرضیه را در اول وقت
 فضیلت آن بجا آورند مگر نماز عصر و در جمعه و روز عرفه که مستحب است در بعد از نماز ظهر
 بجا آورند و مستحب است تاخیر نماز مغرب و عشا تا حاجت بشعر رسند و یا بجهت گرفتاری یا عذر
 دیگر تا حضور قلب حاصل شود و یا کسی که منتظر جماعت باشد یا صائمی که نفسش با آورد نماز
 باشد یا کسی که دیگران منتظر او باشند یا مستحاضه کثیره که بیک غسل خواهد دو نماز کند
 در وقت فضیلتش یا سربسته طفل بجهت سستی بکوبیده جامه اش را در شبانه روز یا کسی که دفع
 بول یا غایط کند بخود یا کسی که نماز قضا دارد تا آخر وقت یا کسی که نافلة گذار است پس تاخیر

در قبله امت

از دور قریب

اینها مستحب است که کسی که غدر دارد یا مید بر طرف شدن غدر است واجب است تا چیزی را
از اول وقتان فصل در قبله امت مسکنه مدار برصد استقبال قبله امت پس هر چند در
بعضی اجزاء بدن بیرون باشد از قبله که منافی با صدق استقبال نباشد از برای عبودیت و از
برای عبودیت آنچه افاده علم کند با استقبال کفایت میکند مثل محرابی که مقصود از آن نماز کرده
نابند و غلامانی که در مشرع قرار داده اند مثل جد است که اثر اهل او است طریقی مثل
کوفه و بغداد و نحو اینها در پشت منکب که میا کف و کف دست بر پشت گوش راست قرار دهند
و شرقی عراق مثل بصره در گوش راست و غربی عراق مثل موصل در میاد و کف و اهل شام
پشت کف چپ منکب اهل عدن میان دو چشم و اهل صنعاء در گوش راست و اهل حبشه که تو
باشند بخند چپ و بلاد مغرب بزرگوش چپ قرار میدهند و سهیل برعکس جدا میباشد و
دیگر مثل امت برای اهل عراق که میل میکنند در وقت زوال بطرف دماغ از برای کسانی که جدا
میا کفین ایشان باشد مسکنه تا علم ممکن شود اعتبار بر اوقات نکند مسکنه هرگاه
ممکن نشود علم و اوقات شرعی با جد و جهد تمام عمل نموده میکنند اگر چه بقول کافی هم
شود و اگر عدلین خبر بد دهند و اجتهاد خودش خلاف باشد و جوید و شاکر زن خالی از قوه
بینه و اعتماد کرده میشود بر قبله بلد مسلمین در صلوات ایشان و عبودیت و محرابهای ایشان
ما را اینکه ندانی بنای قبله ایشان را بر غلط مسکنه هرگاه شخص نماز کرده بان جهت که ما مورد
بان بود باعتبار مظنه یا تنگی وقت پس ظاهر شد خطا آن بعد از نماز اگر نماز نشد ما بین
همین و بسیار واقع شده صحیح است و اگر در بین نماز مسکنه پیش در بنیت قبله در حال سکون
و تمام میکنند نماز را و هم چنین است حکم ناسی و جاهل بحکم که قاصر باشد اما اگر مقصر یا
احوط بلکه اقوی لزوم اعاده است مسکنه اگر بعد از فراغ معلوم شود پشت قبله بوده اعاده
یا قضا کند و اگر تجاوز از مشرق یا مغرب بوده لعینا قضا کند یا اعاده کند و هم چنین است
حکم هرگاه ظاهر شود خطا مذکوره در اثناء نماز مسکنه هرگاه شخص اخلاص کند با استقبال
قبله عمد و اجابت از سر گرفتن صلوات و از وقت و در خارج وقت چه فاحش باشد اگر پیش
یا نه و لکن اگر صدق کند بر آن خروج از اسم استقبال مسکنه هرگاه مالک مکتب در پیش

اینجا در این کتاب است که در این باب است
اینجا در این کتاب است که در این باب است
اینجا در این کتاب است که در این باب است
اینجا در این کتاب است که در این باب است
اینجا در این کتاب است که در این باب است
اینجا در این کتاب است که در این باب است
اینجا در این کتاب است که در این باب است
اینجا در این کتاب است که در این باب است
اینجا در این کتاب است که در این باب است
اینجا در این کتاب است که در این باب است

و احوط

کرمنا فیات نماز است

احمد ط

راهی کند وقت نیک باشد شخص در حال بیرون رفتن از افرق طرف نماز کند و اگر باز نشد مشغول نماز شدی و بعد گفت بر وضو و عظیم باو میرسد به نرفتن تو واجبست بروی و در حال خروج نماز را تمام کنی و اگر در وضو وقت باشد استیناف نماز کن مسلمانی اگر هم چون به دانستی که واجب است و مشغول نماز شدی بعد از آنکه نوزا اگر وقت نازد نماز را قطع کن و برو و اگر در حال رفتن تمام کنی و بعد استیناف کنی احوط است و اگر وقت مضیقت است در حال بیرون رفتن تمام کن نماز را فصل در منافات نماز است و آن در و از ده چیز است حدث و تکبیر و استناد و کلام و قهقهه و ماحی الصاوه و اکل و شرب این و شک در رکعات و زیاده و نقصان کن مطلق و غیر رکن عمدا مسلمانی است هر چه ناقص ظاهر است مسلمانی تکبیر دست بردارند از این در حال عمدا و اختیار مسلمانی است یا عمد و سهوا اگر چه مابین یمن و یسار باشد و وجهی است مابین امانت و التنبه باشند یا اما اگر درین جبر یا سهوا مابین مشرق و مغرب منحرف شود یا نیست نماز مسلمانی که در عدا احوط متعارف است که از هر دو مسلمانی قهقهه خنده یا صداه است و بی صدا هم اگر خنجر کند در دل که تعیین نباید احوط است مسلمانی بکاء که به است غیر کرمیه که از خوف نار و شوق جنت باشد عمدا و کرمیه بر سید الشهدا و عمری اختیار ضرر ندارد و با اختیار در آن محل ناقل است مسلمانی ماحی الصاوه عمد و سهوا کردن علی امانت که از صوت نماز کند بیرون رود شخص مسلمانی اکل و شرب خوردن و آشامیدن است عمدا مسلمانی این بعد از و الاضالی این امام است عمدا بلکه مطلق در نماز نوز کند علی الاحوط مسلمانی شک در رکعات ذکر خواند شد و زاید و نقصان چیزی از نماز که کردن و زیاد کردن است اما از یاد بی رکن عمدا و سهوا واجب غیر رکن عمدا نه سهوا فصل در نماز ایام است مسلمانی شیخ از نماز ایام است اینست که نیت کند و تکبیر بگوید و حمد و سوره بخواند و برکوع رود بعد از رکوع و است شود باز حمد و سوره بخواند و مستحبا فنون بخواند و برکوع رود بعد از ذکر رکوع و است شود یا حمد و سوره بخواند و رکوع رود و چون است شود باز حمد و سوره بخواند و رکوع رود و چون است شود و باز حمد و سوره بخواند و رکوع رود بعد از نماز شدن از رکوع یعنی سمع الله لمن حمده مستحب است پس بر بسجده و بعد از دو سجده است شود بیضا و رکعت دوم هم مثل

از نماز استیناف نماز است و اگر در وقت مضیقت است در حال بیرون رفتن تمام کن نماز را فصل در منافات نماز است و آن در و از ده چیز است حدث و تکبیر و استناد و کلام و قهقهه و ماحی الصاوه و اکل و شرب این و شک در رکعات و زیاده و نقصان کن مطلق و غیر رکن عمدا مسلمانی است هر چه ناقص ظاهر است مسلمانی تکبیر دست بردارند از این در حال عمدا و اختیار مسلمانی است یا عمد و سهوا اگر چه مابین یمن و یسار باشد و وجهی است مابین امانت و التنبه باشند یا اما اگر درین جبر یا سهوا مابین مشرق و مغرب منحرف شود یا نیست نماز مسلمانی که در عدا احوط متعارف است که از هر دو مسلمانی قهقهه خنده یا صداه است و بی صدا هم اگر خنجر کند در دل که تعیین نباید احوط است مسلمانی بکاء که به است غیر کرمیه که از خوف نار و شوق جنت باشد عمدا و کرمیه بر سید الشهدا و عمری اختیار ضرر ندارد و با اختیار در آن محل ناقل است مسلمانی ماحی الصاوه عمد و سهوا کردن علی امانت که از صوت نماز کند بیرون رود شخص مسلمانی اکل و شرب خوردن و آشامیدن است عمدا مسلمانی این بعد از و الاضالی این امام است عمدا بلکه مطلق در نماز نوز کند علی الاحوط مسلمانی شک در رکعات ذکر خواند شد و زاید و نقصان چیزی از نماز که کردن و زیاد کردن است اما از یاد بی رکن عمدا و سهوا واجب غیر رکن عمدا نه سهوا فصل در نماز ایام است مسلمانی شیخ از نماز ایام است اینست که نیت کند و تکبیر بگوید و حمد و سوره بخواند و برکوع رود بعد از رکوع و است شود باز حمد و سوره بخواند و مستحبا فنون بخواند و برکوع رود بعد از ذکر رکوع و است شود یا حمد و سوره بخواند و رکوع رود و چون است شود باز حمد و سوره بخواند و رکوع رود و چون است شود و باز حمد و سوره بخواند و رکوع رود بعد از نماز شدن از رکوع یعنی سمع الله لمن حمده مستحب است پس بر بسجده و بعد از دو سجده است شود بیضا و رکعت دوم هم مثل

رکعت

صورت آخر هر دو نماز است
 در صورتی که نماز اول
 در وقت اول باشد
 در صورتی که نماز اول
 در وقت دوم باشد

در نماز است

در سوره باشد سئل هرگاه امام بیسجرات رابع راسه مرتب بخواند تا ما موید اند که می
 تواند سه مرتب بخواند آنرا کند ضرر ندارد و زیاد تر از یک مرتب شیخ هر چه میسرند بخواند بنا
 بر احوط سئل امام که مشغول نافه شده باشد از آن برای نماز شروع کنند ضرر ندارد هر
 هرگاه مشغول باشند که رکعت چند است آنقدر که در حمد و سوره و اذکار و الله خوانند و رکعت
 ثانی هم چنین بفهمید حمد و سوره را خوانند ضرر ندارد و اگر حمد تمام نشده بر کوع رفت بعد
 معلوم شد که رکعت چهارم بوده احتیاطا نماز را اعاده کشند بعد از تمام نماز بخیر عدل
 واحد یا غیره هرگاه علم بعد از شخصی حاصل شود خوب است بجز عدلین یا آنقدر که در جمعی
 از مسلمین که از احوال ایشان با خبری و مطمئن باشد با ایشان که ظن بعد از تمام نماز حاصل
 شود خوب است سئل هرگاه سبمی شود از برای امام که باید بعد نماز شرحتیاطا اعاده کند
 از برای ما مؤمن یا کی نیست اعلام کردن امام ایشانرا هم لازم نیست سئل هرگاه امام
 رکوع رفت و ما مؤمن در شب رابع امت زیاد از یک مرتبه نصد بخواند که تا امام بر کوع رفت
 برسد بنا بر احتیاط سئل ما مؤمن سبق نماز پیش کرد حمد و سوره را امام رکوع رفت
 ملتفت شد متابعت کند و احتیاطا نماز نشو را اعاده کند اما سجد سهو میخواند
 ما مؤمن یا غیر در رکعت سیم یا چهارم یا پنجم رکعت اول یا دوم حمد خواند در بین یا بعد
 بخوابد یا نشو کند شیخ بخواند و بعد از نماز دو سجده سهو احتیاطا ایجا آورد سئل
 ما مؤمن در رکعت سیم یا چهارم فراموش کرد بیسجرات رابع را وقتی بخوابد یا نشو کند که امام
 بر کوع رفت اگر میتواند بکسر شیخ بخواند بر کوع با امام برسد و اگر میرسد یا قصد فرادی
 کند یا بکسر شیخ بخواند و رکوع رود در سجده با امام برسد احتیاطا نماز نشو را اعاده کند
 یا شیخ بخواند و متابعت کند و بعد احتیاطا اعاده کند سئل ساقط است در رکعت
 اولین نماز و ثانی حمد و سوره از ما مؤمن و هرگاه ما مؤمن باید حمد و سوره بخواند احتیاطا
 بخواند اگر چه هر چه باشد سئل باید اهل جماعت بترتیب تکبیر بگویند خواه صف اول
 باشند خواه غیران بضم که رود از ما مؤمن پیش یا امام زیاد از یک روع شاه بنا شد
 احتیاطا و اگر سابق مشغول تکبیر است شیخ یا مشغول نیت کردن باشد چنانچه در وقت

در صورتی که نماز اول
 در وقت اول باشد
 در صورتی که نماز اول
 در وقت دوم باشد
 در صورتی که نماز اول
 در وقت اول باشد
 در صورتی که نماز اول
 در وقت دوم باشد
 در صورتی که نماز اول
 در وقت اول باشد
 در صورتی که نماز اول
 در وقت دوم باشد